

نقد مجموعه عکس سروش کیایی (براساس روش نقد کلاسیک)

سومین نمایشگاه انفرادی عکس‌های سروش کیایی با عنوان «اینجا: پردیس ولیعصر دانشگاه هنر» در آبان‌ماه ۹۵ در گالری آرته گشایش یافت.

سروش کیایی متولد ۱۳۵۴ در تهران و دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد رشته عکاسی در دانشگاه هنر تهران و کارشناسی رشته مرمت آثار تاریخی و فرهنگی و تزیینات وابسته به معماری در پردیس اصفهان دانشگاه هنر است. نمایشگاه عکس «اینجا: پردیس ولیعصر دانشگاه هنر»، سومین نمایشگاه انفرادی سروش کیایی بعد از برگزاری نمایشگاه‌های «دیدنی دگرگون» (۱۳۹۰) و «معماری ایران ۸۳۰ نانومتر» (۱۳۹۴) در گالری آرته به شمار می‌رود.

در این نمایشگاه ۶۸ فریم عکس از میان ۴۰۰ فریم عکسی که به گفته عکاس در مدت یک سال و نیم گرفته شده، انتخاب و در معرض دید بازدیدکنندگان قرار گرفت.

عکس‌ها با دوربین Lomo LC-A 120 در کادر ۶ در ۶ با لنز ثابت سوپر واید ۳۸ سانتی متری و فیلم فوجی ۱۶۰ رنگی گرفته شده و بعد از اسکن چاپ شده است.

تعداد قاب‌های ارائه شده در نمایشگاه ۳۲ عدد می‌باشد. ۲۰ قاب به ابعاد ۴۵ در ۴۵ برای عکس‌های تکی ۳۵ در ۳۵ پاسپار تو شده اند و ۱۲ قاب دیگر که اندازه اش ۶۰ در ۶۰ بوده و هر کدام شامل ۴ عکس ۲۰ در ۲۰ می‌باشد.

عکس‌ها از زاویه بالا یا پایین گرفته نشده است، زاویه دوربین از روبرو است و حالت واقع بینانه را القا می‌کند و عکس‌های کسی است که معماری می‌داند و می‌خواسته یک حقیقت را که در جریان است به تصویر بکشد.

نور و کنتراست عکس‌ها حاکی از زمانی از روز است که در یک مکان عمومی باید شاهد رفت و آمد دانشجویان یا حداقل آثاری از حضور آن‌ها در آنجا باشیم. اما این طور به نظر می‌رسد که عکاس همان طور که در بخش دوم بیانیه اشاره کرده: «محل کار من پردیس ولیعصر دانشگاه هنر است. و مانند بسیاری از همکاران، معلمان و دانشجویان که در این سال‌ها آمده و رفته و باز هم می‌آیند. هر روز من در اینجا می‌گذرد. در و دیوار این‌جا برای من خاطره دارد و برای خیلی‌های دیگر هم. فرم‌ها خود گویا هستند. آدم‌ها شاید همیشه در هیچ مکانی نباشند،

می آیند و می روند. اما در و دیوار می مانند، تغییر می کنند، ولی همچنان باقی خواهند ماند. « بیشتر با فضاها خاطره دارد و حضور افراد برایش معنا ندارد.

در این مجموعه با عکس هایی مواجه ایم از بافت سنتی و قدیمی دانشگاه هنر که آنجا را محل کار و خانه دوم خود معرفی می کند.

سروش کیایی در بخش ابتدایی بیانیه اش در این نمایشگاه نوشته است: « اینجا محل زندگی من و امثال من است. شاید همه بگویند محل کار، ولی من می گویم زندگی چرا که بیشتر وقت ما اینجا صرف می شود. این روزها خانه فقط خوابگاه است. صبح از خانه بیرون می زنیم و گاه تا دیروقت سر کار هستیم. ما شهروندان وابسته به محیط کار هستیم و نه سکنی گزیدگان در خانه. »

برای عکاس خانه و سکنی گزیدن بیانگر برقراری پیوند بین انسان و محیط است که از تلاش برای هویت یافتن (به مکانی حس تعلق داشتن) ناشی گردیده است و مفهوم آرامش و سکوت را القا می کند.

و چه بسا ازین روست که عکس های دانشگاه را، که یک مکان عمومی و شلوغ است و آن را به عنوان خانه دوم خود ارائه کرده، زمانی گرفته که کسی آنجا حضور ندارد و آرامش بر در و دیوار آن حکمفرماست. گویی می خواسته نقطه امن خود را با مخاطب به اشتراک بگذارد، بدون حضور آدم ها.

عکس ها جوری نیستند که در ذهن مخاطب بمانند، یعنی اگر معنا و مفهومی برای آن در نظر نگیریم خیلی راحت از ذهن می روند و مخاطب عکس ها را یک مستندنگاری صرف از دانشگاه تلقی می کند. اما با خواندن بیانیه عکاس و دانستن سابقه تحصیلی او در رشته معماری عکس ها در ذهن معنا می یابند.

از نظر فنی و ترتیب همه چیز در جای خود قرار دارد، تعدادی از تصاویر شبیه به هم هستند که حتی اگر بعضی از آنها را به صورت دلخواه حذف یا بر آن بیافزاییم، چیزی از مفهوم مجموعه کم یا به آن اضافه نمی کند.